

خانواده و دنیای مدرن

<?xml encoding="UTF-8?">

جایگاه خانواده در جامعه

خانواده، نهادی مقدس است که می تواند بهترین مکان برای آسایش و آرامش جسم و روان آدمی باشد. خانواده، سنگ بنای جامعه و سازمان نظام یافته اجتماعی است که در همه جوامع ارزش و اهمیت بسیار دارد. نخستین و پایدارترین نهاد انسانی و بخشی کوچک و مؤثر از جامعه است که عناصر آن بر یکدیگر اثرگذارند. هر بحرانی که اجتماع را فرا گیرد، خانواده نیز از آن تأثیر می گیرد و در مقابل، هرگاه خانواده گرفتار تزلزل و کاستی شود، آینده جامعه نیز به خطر می افتد. البته هر چه بنیان اخلاقی و معنوی خانواده محکم تر باشد، بحران های احتمالی جامعه، کمتر متوجه آن می شود. بنا براین، نقش خانواده در حیات اجتماعی انسان ها، انکارناپذیر است. استواری و تحکیم روابط خانوادگی، نقش مؤثر و مثبتی در بهبود روابط اجتماعی و کم شدن مشکلات جامعه دارد و اساساً برای تحقق یک جامعه پویا و معنوی، پیش از هر چیز باید خانواده ای سالم و معنوی داشته باشیم؛ زیرا اجتماع سالم، در گرو خانواده های سالم است.

پیام متن:

نهاد خانواده، در حیات اجتماعی انسان ها و تکوین هویت جامعه، نقش محوری و بنیادی دارد.

خانواده سنتی

در جوامع سنتی، خانواده، نهادی اجتماعی با مرکزیت و محوریت مشخص است و هویت افراد، با توجه به خانواده هایشان شناخته می شود. اعضای خانواده سنتی را پدر و مادر، فرزندان، پدربزرگ ها و مادربزرگ ها تشکیل می دهند و جایگاه و احترام هر کدام مشخص و حفظ می شود. سرپرست خانواده، رفتار و منش اعضای خود را کنترل می کند و اگر زمانی فرزندان با ازدواج یا ادامه تحصیل، از خانواده جدا بشوند، باز هم از کنترل و نظارت خارج نیستند و در مواقع لزوم نیز خانواده به یاری آنان همت می گمارد.

دین، باورها و آداب و رسوم مذهبی، در خانواده های سنتی جایگاه ویژه ای دارد و ارتباط مستقیمی میان دین و سلامت اخلاقی و رفتاری افراد خانواده وجود دارد. از این رو، در خانواده های سنتی ناهنجاری های کمتری دیده می شود. معمولاً سرلوحه همه رفتارهای خانواده سنتی، محبت و فداکاری و از ویژگی های آشکار این خانواده ها، رسیدن اعضای آن به احساس آرامش و سلامت روانی است. در مقابل، تأثیری که تمدن، تکنولوژی، ماهواره و اینترنت بر خانواده های به اصطلاح مدرن امروزی گذاشته، آنها را با نوعی کاستی و سردی در روابط و مناسبات روبه رو کرده است. در نتیجه، دوام و پایداری آنها دست خوش تهدیدهای جدی قرار گرفته است.

پیام متن:

1. در خانواده سنتی، محوریت با مذهب، محبت و فداکاری است و از ویژگی های آن، سلامت روانی آن است.
2. خانواده امروزی و مدرن، به دلیل کم رنگ شدن ارزش های اخلاقی در آن، با خطرهای و گرفتاری های جدی روبه رو شده است.

آسیب های فردی در خانواده مدرن

آسیب های خانواده، به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم می شوند. نادیده گرفتن مسائل اخلاقی و حقوقی و رعایت نکردن امور مربوط به روابط انسان ها، از آسیب های درونی هستند که متوجه اعضای خانواده می شود. عوامل آسیب زای بیرونی را نیز باید در خارج از محیط خانواده یافت. در عصر حاضر با ورود وسایل ارتباط جمعی مانند روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره و شبکه های اینترنتی، نوع زندگی خانوادگی تغییر کرده و پی آمدهای گوناگون و دشواری را به همراه داشته است. مدرن و به روز بودن، اصل و هویت خانواده را با درگیری های جدی روبه رو ساخته است و تکنولوژی ها و اختراعات مختلف که برای رفاه بخشیدن به زندگی جوامع امروزی پدید آمده اند، خانواده را دچار سردرگمی کرده و مصرف گرایی را ترویج کرده اند. فعالیت های بیش از حد والدین نیز آسیب های عاطفی بسیاری را متوجه فرزندان کرده و خانواده را در به انجام رساندن مسئولیت هایش با مشکل روبه رو ساخته است.

پیام متن:

1. در آسیب شناسی خانواده، افزون بر آسیب های درونی مانند بی تقوایی، آسیب های بیرونی همچون وسایل ارتباط جمعی را نیز باید بررسی کرد.
2. با پیشرفت تکنولوژی و مدرن شدن خانواده ها، کارکردهای مذهبی و تربیتی آنها بی تأثیر و با بحران های جدی روبه رو شده است.

دنیای مدرن و کم اثر شدن کارکردهای خانواده

ناهماهنگی و نبود تعادل در خانواده، شادابی و پویایی را نیز از جامعه می گیرد و بی توجهی به بهداشت روانی خانواده، از مشکلات مهم زندگی های امروزی است. پژوهشگران، بالا رفتن آمار افسردگی در مردم را از پی آمدهای نوع زندگی قرن بیستم می دانند؛ که در آن، خانواده ها از هم گسسته اند و بیشتر مردم در کنار خانواده و با ترتیب درست و اصولی آنان رشد نمی کنند. در این شرایط، والدین وقت کافی برای همراهی مؤثر فرزندان خود ندارند و در نتیجه، استرس های گوناگون، افراد را در معرض افسردگی و بیماری های روانی قرار می دهد. افزایش زمینه های تحریک جنسی نیز در پی گسترش و تنوع وسایل جدید تکنولوژی، خانواده ها را با گرفتاری های نگران کننده ای روبه رو کرده است. دنیای مدرن، عصر تنوع و هیجان و نوآوری است. تعدد مشاغل مردان و فشار بیش از حد ناشی از فعالیت زنان خانه و مشاغل رسمی آنان در جامعه، همراه با افزایش استرس ها و ضعف مهارت زوجین در برقراری ارتباط سالم جنسی نیز کارکرد تربیت جنسی خانواده را ضعیف می کند. امروزه مسئولیت خانواده ها در تربیت فرزندان بیش از گذشته است و پرورش فرزندان که ثبات شخصیت و

هویت اجتماعی داشته باشند، دشوارتر شده است. فرزندان نیز با وظایف سنگین حاضر و بحران های پیش آمده، بسیار ضعیف و شکننده عمل می کنند و فرزند سالاری، در بسیاری از خانواده ها، اقتدار و نظارت والدین را بر هم زده است. بر این اساس، هر کدام از کارکردهای خانواده، نقش مهمی در استحکام و تقویت بنیان خانواده ایفا می کند. با این حال، مسئله ناخوشایند این است که در بسیاری از خانواده های مدرن، وظایف خانواده، به درستی انجام نمی شود.

پیام متن:

1. سست شدن کانون مذهبی و تربیتی خانواده، بهداشت روانی افراد را تهدید می کند.
2. نظارت و اقتدار خانواده، به عنوان نهادی اجتماعی، در پی پیشرفت تکنولوژی در دنیای امروز، با مشکل و ضعف نگران کننده ای روبه رو شده است.

جایگاه رسانه در خانواده امروز

وسایل ارتباط جمعی در هر جامعه ای، فرهنگ ویژه ای را برای مردم آن به وجود می آورد که جای گزین فرهنگ، ایدئولوژی و ارزش های خانواده و جامعه آنها می شود. امروزه پیشرفت های بزرگ در زمینه اطلاع رسانی و ابزارهای رسانه ای و ارتباطی مانند، اینترنت و شبکه های رادیویی و تلویزیونی، روابط انسانی را بیش از هر زمان تحت تأثیر قرار داده است. وحدت و همدلی اعضای خانواده، بر اثر استفاده بیش از حد از تلویزیون، به سبب کاهش روابط و کم شدن زمان گفت و گو، کم رنگ و آسیب پذیر شده است. بدین ترتیب، تلویزیون، در شمار اعضای خانواده های امروزی درآمده است. در میان این رسانه ها، تلویزیون بیش از همه توجه مردم را به خود جلب کرده و جای گزین روابط و زندگی اجتماعی و خانوادگی شده است.

اعضای خانواده مدرن، غرق در انبوه اطلاعات است و رسانه ها با وارد کردن حجم وسیعی از اخبار و اطلاعات به خانه ها، افراد را گیج و سردرگم می سازند.

بسیاری از خانواده ها آینده و هویت فرهنگی خود را به دست رسانه ها به ویژه تلویزیون سپرده اند و در این میان، قدرت خلاقیت و فرصت در کنار هم بودن ها را نادیده می گیرند. خانواده ای که در اندیشه استحکام و تقویت بنای خویش است و برای ایجاد صمیمیت و روابط عاطفی گرم میان اعضای خود می کوشد، باید در استفاده از رسانه ها به ویژه تلویزیون، کنترل و نظارت کامل داشته و در اثرپذیری از آنها، میانه رو باشد.

پیام متن:

رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی، در تغییر هدف ها و باورها و فرهنگ سازی در خانواده های امروزی، نقش و تأثیر بالایی دارند، بنابراین خانواده ها باید مراقب این امر باشند.

دین داری در خانواده امروزی

از آفت هایی که خانواده امروزی را تهدید می کند، بی اعتباری تدریجی هنجارها، اخلاق، باورهای دینی و ارزش های مذهبی و سنتی و در کنار آن، گسترش انواع انحراف ها و رفتارهای ناپسند در جامعه است.

کم توجهی به ارزش ها در جوامع مدرن که با کنار گذاشتن خدا، دین و اخلاق همراه است، به انسان امروزی، جرئت دست زدن به هر کاری را می دهد. اخلاق مدرن، ریشه خود را در عقل گرایی جست و جو می کند و به همین سبب، با اخلاق سنتی و دینی فاصله گرفته است. آسیب پذیری خانواده امروزی، ناشی از نادیده گرفتن بایدها و نبایدهای دینی و اخلاقی است. بشر امروزی، هنوز به این نتیجه نرسیده است که زندگی بدون ایمان و معنویت، رنج و عذاب روانی و همیشگی را همراه او خواهد کرد.

پیام متن:

1. ضعف در باورها و بی توجهی به نقش دین، خانواده امروزی را در برابر هر هجومی آسیب پذیر کرده است.
2. درمان اصلی آسیب های خانواده امروزی، تقویت ایمان و معنویت است.

خانواده، مدرن یا سنتی؟

در دنیای امروز همه چیز فراوان یافت می شود، جز آرامش که گم شده ای کم یاب است و شیوه زندگی در دنیای جدید نیز آن را کم یاب تر کرده است. یکی از ویژگی های زندگی جدید، استرس و فشار ناشی از تلاش برای سرعت بخشیدن به فعالیت هاست.

فراموش نکنیم که انسان دو بعد مادی و معنوی دارد که باید با هم و در کنار هم رشد کنند و به تعالی و کمال برسند. بشر امروزی اگر ارزش ها و هنجارهای اخلاقی و دینی را سرلوحه زندگی در دنیای مدرن قرار دهد، جامعه و خانواده ای شاداب، سرزنده و پویا می سازد. خانواده سنتی یا مدرن، هر کدام ویژگی های منحصر به خود را دارند و گزینه برتر، آمیختن ویژگی های مثبت و سازنده خانواده سنتی و مدرن، برای رسیدن به یک خانواده ایدئال و سالم است.

پیام متن:

برترین نوع خانواده، آن است که ویژگی های اخلاقی و معنوی خانواده سنتی و ویژگی های مثبت و به روز خانواده مدرن در آن جمع شده باشد.

نکته هایی درباره تربیت فرزندان

پاداش بزرگ تربیت فرزند

تربیت شایسته فرزند، با وجود دشواری های بسیار، پاداش بزرگی در پی دارد. اگر والدین هنگام سختی های تربیت فرزند، پاداش های معنوی فراوان آن را در نظر آورند، بی شک، صبر و بردباری آنها در این باره افزایش خواهد یافت و با شور و شوق بیشتری به تربیت فرزندان خواهند پرداخت. امام خمینی رحمه الله خطاب به نوه خود فرمود: «حاضرم ثوابی را که تو از تحمل شیطنت فرزندت میبری، با ثواب تمام عبادت های خود عوض کنم».

پیام متن:

توجه به پاداش های بزرگ تربیت فرزند، موجب بردباری والدین و ایجاد انگیزه و شوق آنان، نسبت به امر تربیت فرزندان می شود.

میان روی در تشویق

«تشویق»؛ یعنی ایجاد شوق و رغبت در کسی، برای پرداختن او به کاری. تشویق و تحسین، از بهترین ابزارهای تربیتی برای شکوفایی استعدادهاست. همچنین سبب رشد و افزایش نیکی ها و کارهای شایسته و فضیلت های انسانی می شود. البته باید توجه داشت که دادن بهای کاذب به کودک، او را دچار غرور بی جا و خودپسندی می کند و نوعی «شخصیت کاذب» برای او به وجود می آورد و او را از حقیقت های زندگی دور می کند. چنین فردی در آینده، هنگام رویارویی با واقعیت های جامعه، خود را «طبل توخالی» خواهد یافت و به این حقیقت تلخ پی خواهد برد که تصویری که از خودش داشته یا به تعبیری دیگر، تصویری که دیگران از او برایش ترسیم کرده بودند، تصویری کاذب بوده، واقعیت جامعه و حقیقت زندگی چیز دیگری است و او توان و ره توشه مناسبی برای پیمودن راه زندگی ندارد. آن گاه خود را درمانده و ناتوان می یابد و احساس ناامیدی و خواری بر او چیره می شود. پس باید توجه داشت که تشویق، غیر از بهای کاذب و مبالغه گویی و فریب است.

پیام متن:

تشویق بجا، با دادن بهای کاذب به فرزندان، متفاوت است؛ اولی سازنده و سبب رشد است، ولی دومی باز دارنده و سبب تباهی.

تربیت جنسی فرزندان

حفظ حریم عفت، از مسائل ضروری تربیت است. در خانواده ای که از مرزهای عفت پاسداری نشود، پرورش فرزند شایسته، انتظاری بیهوده است. بی عفتی و بی پروایی در مسائل محرمانه جنسی، آتشی است جانسوز، در خرمن شرف و پاکی کودکان و نوجوانان. کودکی که شاهد و ناظر مسائل جنسی والدین خود باشد، دچار نابسامانی روانی می شود و حرمت پدر و مادر نیز نزد او شکسته خواهد شد. همچنین «احتمال مبتلا شدنش به انحرافات جنسی بسیار قوی است». چشم و دل کودک، با دیدن مناظر جنسی و شهوانی، آنها را به نهان خانه ضمیر خود می فرستد و با پروراندن آنها در ذهن خویش، در عالم خیال به تماشایشان می نشیند و سپس به تقلید از آنها می پردازد.

بدین ترتیب، به پرتگاه خطرناک و مشکل آفرین «بلوغ زودرس» و انحرافات جنسی و روانی و اخلاقی سقوط خواهد کرد. بدیهی است که مسئول مستقیم هر زبانی که در این زمینه دامن گیر فرزند شود، والدین او هستند. کودکی که به ظاهر سرگرم کار خویش است، کارهای والدین و اطرافیانش را به دقت می نگرد و کردار و گفتار بزرگ ترها به ویژه والدین، بر منش و شخصیت او تأثیر مستقیم دارد. حتی کنایه ها، نجواها و شوخی های معنادار آنان از نگاه تیزبین او دور نمی ماند. اینکه برخی از مردم می گویند: «بچه ها که بزرگ شدند، بالاخره خودشان مسائل جنسی را می فهمند، پس بهتر است از همین کودکی، آنها را یاد بگیرند و بفهمند!» مانند آن است که بگوییم: «بچه ها که بالاخره باید درس بخوانند، پس بیاییم در پنج سالگی، درس های دبیرستان را به آنان یاد دهیم».

پیام متن:

از وظایف پدر و مادر، تربیت درست جنسی فرزندان است. مراقبت پدر و مادر در روابط زناشویی یکدیگر و پنهان نگاه داشتن آن از چشم فرزندان، مواظبت والدین در به کار بردن سخنان و شوخی های معنی دار خود نزد فرزندان، از شاخه های سالم تربیت جنسی فرزندان است.

خطر کمبود محبت

کودک و نوجوان بیش از آنکه به غذا و لباس احتیاج داشته باشد، نیازمند «محبت» است. محبت، غذای روح است و اگر این غذا به اندازه لازم به روح نرسد، پژمرده و افسرده خواهد شد. کمبود محبت، زیان های شدید عاطفی، روانی و اخلاقی را در پی دارد. بسیاری از کج روی ها، عقده های روانی و ضعف های عصبی و اخلاقی، ناشی از کمبود محبت است. همان گونه که انسان گرسنه و تشنه می کوشد از هر راه ممکن غذا و آب به دست آورد، انسان تشنه محبت نیز می کوشد به هر وسیله و از هر کس، این تشنگی را برطرف کند و جانش را از محبت سیراب سازد. و چه بسیار کسانی که در این راه، به دام شیادان و منحرفان می افتند و به فساد و تباهی کشیده می شوند؛ زیرا معمولاً بیشتر مردم، محبت خود را بدون توقع نثار کسی نمی کنند، بلکه به ازای آن، بهایی بی اساس از او می طلبند. پس وظیفه پدر و مادر است که فرزند خویش را از مهر و محبت خالصانه خویش بهره مند کنند تا روح لطیف او در پرتو حیات بخش محبت، به رشد و کمال برسد. نقل است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار رحمان پرسید: چه چیزی نزد تو محبوب تر است؟ خداوند فرمود: «حُبُّ الاطفال؛ محبت کودکان».

پیام متن:

سیراب شدن فرزندان از جام محبت والدین، روح و روان آنها را سرزنده و کمال جو بار می آورد و از گرفتار شدن آنها به دام شیادانی که محبت شان دروغین است، باز می دارد.

آثار ویران گر غذای حرام بر روی فرزندان

همان گونه که غذا در رشد و بالندگی جسم انسان تأثیر دارد، در ساختار روح و اخلاق او نیز مؤثر است. نوع غذای حلال و حرام، بخش مهمی از تربیت فرزندان را تحت الشعاع قرار می دهد و والدین در این باره مسئول هستند که مراقب حلال یا حرام بودن خوراک فرزندان خود باشند. فطرت خداجویی و گرایش به نیکی ها، مانند نهالی سرسبز و پر استعداد، از بدو تولد، در سرزمین وجود آدمی ریشه دوانده و در این میان، غذای حرام، سم گشنده ای است که پای این درخت شاداب ریخته می شود و ریشه های آن را می خشکاند و دیگر ثمره ای از آن به دست نمی دهد. از پی آمدهای ناخوشایند غذای حرام، این است که زمینه «حق پذیری» را در انسان، ضعیف می کند و به تدریج او را به حق ستیزی رهنمون می شود.

امام حسین علیه السلام روز عاشورا، هنگام رویارویی با لشکریان دشمن، آنان را پند و موعظه فرمود و همه حقیقت را برایشان بیان کرد، ولی سخنان امام در دل های آلوده آنان تأثیر نگذاشت. بی گمان، کلام آن بزرگوار نافذ و تأثیرگذار بود، ولی در روح ناپاک آنان زمینه اثرپذیری فراهم نبود. علت این امر نیز در سخنی به جای مانده از امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، این گونه بیان شده است که: «شکم هایتان از حرام پرشده و شیطان

بر شما مسلط گردیده و یاد خدا را از جانتان بیرون برده است».

پیام متن:

در جریان تربیت فرزند، باید مراقب غذای او نیز بود و از خوراندن غذای حرام به او پرهیز کرد؛ زیرا غذای حرام، زمینه لغزش و ایستادگی او در برابر حق را فراهم می آورد.

اقدام به موقع برای تربیت فرزندان

«از حکیمی پرسیدند: از چه زمانی تربیت را باید آغاز کرد؟ گفت: از بیست سال قبل از تولد! و اگر به نتیجه لازم نرسیدید، معلوم می شود که باید زودتر از آن شروع می کردید.» گرچه این سخن، مبالغه آمیز به نظر می رسد، حقیقتی تأمل برانگیز است. تأخیر کردن در تربیت، برابر با از دست دادن فرصتی است که جبران آن بسیار مشکل و گاه ناممکن است.

حضرت علی علیه السلام خطاب به امام حسن علیه السلام می فرماید:

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ. فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ.

همانا دل و روح کودک و نوجوان، مانند زمین خالی و آماده بذرافشانی است که هر چه در آن افشانده شود، می پذیرد. بنا براین، من پیش از آنکه دلت سخت و عقلت مشغول شود، به تربیت و ادب تو اقدام کردم. همچنین پدر و مادر باید بتوانند از انعطاف پذیری کودک و نوجوان در تربیت درست استفاده کنند و پیش از آنکه شخصیت او شکل بگیرد، به تربیت او همت بگمارند.

هر که در خُردی اش ادب نکنند / در بزرگی فلاح از او برخاست
چوب تر را چنان که خواهی پیچ / نشود خشک، جز به آتش، راست
سعدی

پیام متن:

دیر اقدام کردن به تربیت فرزند، سبب می شود که زمینه تربیت سالم و مناسب او از میان برود.

پرهیز از زورگویی در تربیت فرزندان

در فرآیند تربیت، هیچ جایی برای استبداد و زورگویی نیست. لازم است که بوستان تربیت، با رایحه دل انگیز محبت، اعتماد، عزت بخشی، تفاهم و صمیمیت، همواره معطر باشد. اگر تیرگی و آلودگی استبداد و خودکامگی بر آسمان این بوستان سایه افکند، با پنهان ماندن آفتاب سلامت، انتظار روییدن شکوفه های ثمربخش، خواسته ای محال است. رابطه زورگویانه میان والدین و فرزندان، حالتی ناپسند و بدفرجام است که در پی این نوع روابط، در هنگام پیری و کهنلت پدر و مادر، اوضاع دردناک تر و تأسف بارتر خواهد بود؛ زیرا این گونه فرزندان در روزگار پیری والدین نیز با بی احترامی به آنان، درصدد انتقام برمی آیند. به راستی چه دردناک و غم انگیز است، حال پدران و مادرانی که در دوران پیری، مجبورند بی مهری و نفرت و انتقام فرزندانشان را تحمل کنند! پاسخ همه آن نعره ها، مشّت و لگدها، تحقیرهایی را که آنان سال ها پیش بر فرزندان خود نشان دادند، اکنون با کمی فاصله دریافت

می کنند. افسوس! آیا خود والدین، در تربیت چنین فرزندان، مقصر نیستند؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید:

لَعَنَ اللَّهُ وَالِدِينَ حَمَلًا وَلَدَهُمَا عَلَى عُقُوقِهِمَا.

خدا لعنت کند پدر و مادری را که فرزندان را به نافرمانی و آزار خودشان وادار کنند و سبب شوند فرزندان کاری کند که عاق والدین شود.

پیام متن:

به کارگیری زورگویی و استبداد در خلال تربیت فرزندان، به طغیان آنها در برابر پدر و مادر می انجامد و روابط عاطفی میان آنان را تیره و تار می سازد.

تشویق نوجوانان به میانه روی در بازی

بازی، از مسائل فردی زندگی کودکان و نوجوانان است که جسم و جانشان را پرورش می دهد. توان مندی های فکری و خلاقیت های درونی ایشان در پرتو بازی و ورزش، شکوفا و نیرومند می شود. بازی و ورزش برای آنان، «میدان تمرین زندگی» است و با پرداختن به آن، تجربه ها و درس های فراوانی را می آموزند و برای زندگی پر مسئولیت آینده آماده می شوند. ورزش حتی برای دوران بزرگ سالی نیز لازم و مفید است و بر سلامت جسم و جان، تأثیر بسزایی دارد. بنابراین، پدران، مادران و بزرگ ترها، نه تنها نباید کودکان و نوجوانان را از ورزش و بازی کردن دور کنند، بلکه لازم است خودشان نیز با آنان همراه شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره به پدران و مادران چنین سفارش فرموده است: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا؛ هر کس کودک دارد، باید با او کودکی کند».

چون که با کودک سر و کارت فتاد / پس زبان کودکی باید گشاد

گرچه بازی برای نوجوانان فایده های فراوانی دارد، زیاده روی در این امر، گاه به زیان آنهاست که البته این زیاده روی، معمولاً در هفت سال دوم زندگی کودک و پس از آن به چشم می خورد. زیاده روی در بازی، شخص را از پرداختن به وظیفه های اصلی و در نتیجه از پیشرفت و تکامل باز می دارد. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «کسی که شیفته بازی است، سعادت مند نخواهد شد».

پیام متن:

اگر کودکان بیش از حد تعادل در پی بازی و ورزش باشند، آنان را از پیشرفت و رسیدن به خوش بختی باز می دارد.